

برنامه اقتصادی اسلام و ویژگیهای آن

پیش‌گفتار :

مسئله اقتصاد یکی از مسائل بسیار مهم عصر ما بشمار می‌رود . قبل از آنکه این مسأله مورد دقت و مطالعه دانشمندان قرار گیرد ، و بعنوان یکی از رشته‌های علمی شناخته شود و پیش از آنکه توجه کبیه دولتها و حکومتها به آن جلب گردد ، برای همه اقوام و ملل يك مسأله جدی و حیاتی بشمار می‌رفت . تاجائی که بخش عظیمی از تلاشها و فعالیت‌های بشری در همه اعصار و قرون برای حل مشکلات اقتصادی ، و در جهت تأمین نیازهای مادی ، صورت می‌گرفت . و بعبارت دیگر ، نیروهای درونی و برونی انسانها و نیازهای مادی بشر در آغاز خیلی ساده و محدود بود ، و بدینجهت برای تأمین آنها ، کوشش بسیار لازم نبود . از میوه درختان و شکار جانوران تغذیه می‌کرد و پوشاک خود را نیز از پوست حیوانات و برگ درختان فراهم می‌نمود .

احتیاجات بشر بموازات پیشرفت تمدن و رشد فکری وی ، تدریجاً بیشتر ، و دائره آن وسیعتر گشت تا بجائی رسید که اکنون می‌بینیم . در این مرحله تنوع خواستها و گسترش روز افزون نیازها حد و مرزی ندارد و پیوسته در حال افزایش است .

طبیعت با همه قدرت و زمین با امکانات نامحدودش جوابگوی احتیاجات امروز انسانها نیست و بشر متمدن برای ارضاء تمایلات و اشباع خواستها و نیازهای خویش در صدد تسخیر کرات آسمانی برآمده ، و می‌خواهد در حل مشکلات خود از سیارات دیگر استمداد نماید .

توسعه و افزایش نیازهای مادی و تحول و تنوعی که در این زمینه پیدا شد ، موجب آن گشت که فعالیت اقتصادی و تلاش انسان جهت معاش ، که در گذشته خیلی ساده و

ابتدایی بود، گسترش یابد و مسأله اقتصاد، بسیار مهم و خطیر جلوه کند و بالاخره پس از انقلاب صنعتی در اروپا و ظهور تمدن غرب و ارتقاء سطح زندگی مردم و توسعه وسایل ماشینی و تکامل تکنولوژی و همچنین نفوذ و گسترش سریع مکتب فریبنده و پرزرق و برق کمونیسیم، اقتصاد پایه اساسی و محور اصلی زندگی و یکی از مهمترین عوامل کلیه تحولات اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و حتی مذهبی شناخته شد. و برخی آنرا چنان جلوه دادند که گویی تمام مسائل زندگی در اقتصاد خلاصه می شود و آن بمنزله قطبی است که همه مساعی و کوششها و فداکاریها و رنجها و جنب و جوشها و نهضتها و جنگها و خصومتها و خلاصه همه رویدادها و حوادث و اتفاقات و حتی آرزوها و آرمانها، انگیزه ها و مقاصد و افکار بشری، همه و همه بر محور آن میچرخد.

چنانکه «کارل مارکس Karl Marx» بر اساس فرضیه: «دیالکتیک ماتریالیسم» نیروی اقتصادی را پایه و اساس تحولات تاریخ بشر و حاکم بر حوادث جهان و بالاخره نیروی محرک عالم و گرداننده نظام گیتی می داند.

این نظریه یعنی عامل اقتصاد را پایه و اساس تحولات و رویدادهای تاریخی پنداشتن و منافع اقتصادی را هدف نهایی و مقصد اصلی و انگیزه اساسی رفتار بشری معرفی کردن به اغراق و مبالغه بیشتر شبیه است و لذا برخی از پژوهشگران آنرا مردود دانسته و تئوری دیگری را بجای آن پذیرفته اند.

فی المثل، «نیچه» فیلسوف نامدار آلمان، محور فلسفه و جهان بینی خود را بر اساس قدرت پرستی و جاه طلبی بیان می نهد، و بالاخره «آلفرد آدلر» عطش قدرت را بعنوان اساسی ترین عطش روحی انسان برای کاوشهای خود برمیگزیند. و «برتراند راسل» هم آواز با «آدلر»، عطش قدرت را در سلسله نیازمندیهای بشری، بزرگترین «فصل ممیز انسان و حیوان» تلقی می نماید. وی هنگام مطالعه در جنبه های مختلف قدرت، بویژه، یادآور می شود: اقتصاددانان قشری و انقلابی قرن نوزدهم اشتباه کرده اند که «انگیزه اساسی رفتار بشری» را عامل «اقتصاد» دانسته اند.

۱- دکتر بهاء الدین بازارگاد: تاریخ فلسفه سیاسی، چاپ کتابفروشی زوار تهران ۱۳۲۶ هـ ج ۲،

هرچند که قسمت اعظم از فعالیتهای اکثریت از جمعیت بشری تنها ، صرف کسب قوت لایموت و سدجوع و تهیه پوشاک و مسکن بسیار ناچیز و مختصری می شود ، لیکن این نیازمندیها همه از احتیاجات مشترک میان انسان و حیوان بشمار می رود ، در این هنگام بشر به فعالیتهای ابتدایی حیاتی و حیوانی خود می پردازد ، لیکن بمحض آنکه اندک رمقی در خود احساس کرد در اندیشه توسعه قدرت و جاه می افتد ... بگفته «راسل» هنگامی که خشایار شاه به آتن لشکر کشید ، نه کمبود غذا و نه کمبود پوشاک و نه کمبود زن داشت .

بالجمله احتیاجات بشر ، منحصر به نیازهای مادی نیست ، بلکه نیازهای معنوی هم دارد . نیازهای معنوی در مقام مقایسه ، اساسی تر و حساسترند مانند احتیاج به دین و ایمان ، آزادی ، فرهنگ ، دانش ، صلح . اگر این قبیل احتیاجات اشباع نشود ، محیط زندگی انسان به جهنم سوزانی تبدیل می شود .

آیا اسلام برنامه اقتصادی دارد ؟

در اینجا نخستین سؤالی که مطرح می شود ، این است که آیا اسلام در زمینه اقتصاد برنامه ای دارد؟ این پرسش بوسیله کسانی مطرح شده است که با حقائق دین مبین اسلام آشنایی نداشته و از برنامه های مترقی آن بی اطلاعند . چگونه می توان نظام اقتصادی اسلام را نادیده گرفت و آنرا انکار کرد در حالی که اسلام برنامه زندگی و اساس سعادت و بهزیستی انسانهاست .

اسلام یک نظام اجتماعی پیشرفته و کاملی است که همه جهات و جوانب زندگی را برآورد توجه قرار داده و برای هر یک از شئون و جنبه های زندگی قوانین مترقی وضع نموده است . اسلام بشهادت «کتاب» و «سنت» آنجا که اصول و قواعد انسانی و عادلانه خود را برای جامعه بشری ، بیان و تشریح می کند به نصایح و دستورهای اخلاقی اکتفا نکرده بلکه در کایه امور و جمیع مسایل زندگی فردی و اجتماعی ، احکام و مقرراتی وضع نموده است ، چنانکه در مسایل اقتصادی و مالی و حقوقی ، بهترین و کاملترین و مترقی ترین قوانین را عرضه داشته مانند احکام و مقررات «بیع و اجاره و شرکت و

۱- دکتر ناصرالدین صاحب الزمانی : دیباچه ای بر رهبری ، مؤسسه مطبوعاتی عطایی ، تهران

قرض و رهن و دین و مضاربه» که در نوع خود بی نظیر است .

معهدا برخی از محققانها ، ادعا کرده اند که تعالیم اسلامی چیزی جز يك سلسله نصاب و مواعظ و توصیه های اخلاقی نیست .

فی المثل لویی گارده^۱ ، مستشرق فرانسوی در کتاب خود «الاسلام»^۲ می نویسد : اسلام بمانند نصرانیت ، به تحلیل قضایا و پاسخگویی مسایل اقتصادی نپرداخته است. و همو گوید : فقهاء در دوره شکوفایی اسلام، مبادی و اصولی در زمینه اخلاق اقتصادی وضع نمودند^۳ .

این پندار بی پایه و خیال خام یعنی مبادرت به انکار اقتصاد اسلامی ، چنانکه بعداً توضیح خواهیم داد ، گاهی از عدم تمیز بین علم اقتصاد (تجزیه و تحلیل قوانین اقتصادی) ، و مذهب اقتصادی (راه و روش اقتصادی) ، ناشی می شود .

استاد محمد باقر صدر که از نویسندگان بنام جهان اسلام در قرن معاصر است ، و در زمینه اقتصاد و فلسفه اسلامی ، آثار ارزنده و کتب مفید و سودمند ، چون «اقتصادنا» و «فلسفتنا» برشته تحریر در آورده است ، در یکی از نوشته های خود تحت عنوان «ماذا تعرف عن الاقتصاد اسلامی»^۴ ، می نگارد : منکرین اقتصاد اسلامی ، هنگامی که سخن از وجود اقتصاد در اسلام میان می آید با تعجب می پرسند : آیا اسلام در زمینه اقتصاد برنامه ای دارد ؟ اگر چنین است چرا در متون و نصوص اسلامی ، موضوعات و بحثهایی ، نظیر آنچه دانشمندان اقتصاد چون «آدام اسمیت» و «ریکاردو» ، مطرح کرده اند بچشم

۱- L. Garde

۲- L. Islam

۳- محمد المبارک ، رئیس پیشین دانشکده الهیات دانشکده دمشق و رئیس گروه تحقیقات اسلامی در دانشکده الهیات مکرم : فلام الاسلام «الاقتصاد مبادی و قواعد عامة» چاپ دارالفکر ، بیروت ، ص ۱۲ .

۴- چاپ مطبعة نعمان ، نجف اشرف ، ص ۴۵ .

نمی خورد. مثلا در اسلام از «قانون کاهش فائده» یا «قانون کاهش فائده نهائی»^۱ و به تعبیر دیگر «قانون تناقص المنفعة الحدية»^۲ بحثی نشده است و یا از قانون «عرضه و تقاضا» سخنی بمیان نیامده است و نیز به «قانون مفرغ مردها»^۳ یا «قانون الاجر

۱. Law of Diminishing Utility. or How of Diminishing Marginal Utility.

توضیح آنکه ارزش هر چیزی برای خریدار، بسته باین است که آن خریدار تا چه اندازه از آن چیز در اختیار دارد، بدین معنی که هر چه، مقدار بیشتر از آن چیز در دست داشته باشد ارزش آن کمتر می شود، برای مثال، فردی ده از سرما می لرزد برای یک دست لباس گرم، حاضر است مبلغ زیادی بپردازد، طبیعتا اگر پس از آن، یک دست لباس دیگر بوی عرضه شود مطلوبیت کمتهای خواهد داشت و در نتیجه ارزش آن نیز کمتر می شود. نقل از کتاب «بررسیهایی درباره مکتب اقتصادی اسلام» بقلم آقای محمد کاظم موسوی، انتشارات برهان و مؤسسه انتشارات اسلامی ۱۳۵۰ ه، ج ۱ ص ۲۲۲. و کتاب «اصول علم اقتصاد» تألیف «فرد مارشال» ترجمه آقای حسین مؤتمن، چاپ دانشگاه تهران ۱۳۴۰ ه، ص ۱-۱۲۷.

۲- دکتر سعدماهر حمزه، استاد و رئیس بخش اقتصاد دانشگاه سیوط، در کتاب خود «علم الاقتصاد» چاپ دارالمعارف، مصر، ص ۴۱۴، در بیان فوق الذکر می نویسد: ان الميزة الاضافية التي يستمدها الشخص من زيادة معينة في رصيده من اى شيء تتناقص بنمو ذلك الرصيد لديه.

The additional Benefit, which a person Derives from a given increase of his stock of anything, Diminishes with the growth of the stock that he has.

۳- اسناد محمد باقر صدر در اثر پراچ خود «اقتصادنا» ترجمه آقای محمد کاظم موسوی، چاپ انتشارات برهان و اسلامی ۱۳۵۰ ه، ج ۱ ص ۲۱۹ می نویسد:

اگر دستمزدهای کارگران بعلى افزایش یابد، طبیعتا وضع زندگی آنان بهتر می شود و بانسبت بیشتری اقدام به ازدواج و تولید مثل می کنند. در نتیجه تعداد کارگران افزایش یافته تا عرضه آنان مضاعف می گردد و باعمال دستمزدها تا حد طبیعی خود کاهش می یابد. حال اگر عکس آن ناگزیر دستمزدها از سطح طبیعی خود پایین تر می رود و در اثر آن فقر و بیماری در میان صفوف کارگران اشاعه می یابد و طبیعتا از تعدادشان کاسته می شود و کمیت عرضه تنزل می کند و دستمزدها بالا می رود. این نظریه که بنام «قانون مفرغ مردها» نامیده می شود بوسیله «رابرت مالتوس» که جزء اقتصاددانان کلاسیک است وضع گردیده است.

الحیدری^۱ اشاره‌ای نرفته‌است. و درباره «ارزش اضافی»^۲ یا «الربح الفائض» یعنی، سود حاصل از فروش يك کالا بعد از تأمین کالیه مخارج آن^۳، توضیح کافی داده نشده‌است. خلاصه چگونه می‌توان اقتصاد اسلامی را باور داشت و تصدیق نمود در حالی که علم اقتصاد رشته جدید و دانش مدرنی است که مباحث و اصول آن در چهار قرن اخیر بوسیله دانشمندانی چون آدام اسمیت، ریکاردو، و مالتوس و استوارت میل و دیگران، وضع و ایجاد گردید و توسعه و گسترش یافت، هر چند که ریشه علمی اولیه آن به دورترین دوره‌های تاریخ می‌رسد، بدانسان که تمام تمدن‌ها در حدود امکاناتی که در اختیار داشته‌اند در تفکر اقتصادی سهم بوده‌اند^۴.

در جواب این پرسش می‌گوئیم که هر چند اسلام به تجزیه و تحلیل قوانین این دانش و بررسی اصول و قواعد آن نپرداخته‌است، لیکن روشی را برای تنظیم حیات اقتصادی آورده که مبتنی بر مبانی اخلاقی و عدالت اجتماعی است. و عبارت دیگر اقتصاد اسلامی، علم نیست بلکه روش و مذهب است.

اکنون برای روشن شدن مطالب به تفاوت و فرقی بین «علم اقتصاد» و «روش اقتصادی» اشاره می‌کنیم: علم اقتصاد، عبارت است از بررسی قوانین اقتصادی با مقیاسهای علمی و مادی بدون کوچکترین ارتباطی با مسأله عدالت و اخلاق و مسائلی از این قبیل، مثلاً بحث درباره عوامل و اسبابی که سبب زیادی و کمی تولید می‌گردد و همچنین «قانون عرضه و تقاضا» و «قانون مفرغ» از مسائل علم اقتصاد است؛ ولی وقتی همین مسائل جنبه عملی بخود گرفت و با اصطلاح مورد موافقت یا مخالفت یکی از مکتبهای اقتصادی واقع گردید، از قوانین «مذهب اقتصادی» بشمار می‌آید^۵.

۱- دکتر سعدماهر حمزه: علم الاقتصاد، چاپ مذکور، ص ۱۰۰۳.

۲- Plus-Value

۳- محمد باقر صدر: اقتصادنا، چاپ مذکور، ج ۱ ص ۲۶۷. حسن المهدی الشیرازی: الوعی الاسلامی،

چاپ کربلا ۱۳۷۹ هـ، ج ۱ ص ۱۸۴. آقای علی حجتی کرمانی: اقتصاد در مکتب اسلام، شرکت سهامی انتشار

۱۳۵۰ هـ ص ۴۵.

۴- استاد محمد باقر صدر: اقتصادنا، ترجمه آقای محمد کاظم موسوی، چاپ مذکور، ج ۱ ص ۸.

۵- علی حجتی کرمانی: اقتصاد در مکتب اسلام، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۰ هـ، ص ۴.

اما «روش اقتصادی» عبارت از اسلوبی است که جامعه ترجیح می‌دهد در حیات اقتصادی و حل معضلات عمای خویش از آن پیروی کند^۱.

بالجمله چنانکه قبلاً یاد آور شدیم، قوانین مقدس اسلام از طرفی ثابت و فنا ناپذیر و از طرفی دیگر جامع و کامل و همه‌جانبه می‌باشد، جامعیت اسلام بر واقعیت اقتصاد اسلامی، دلیلی روشن و درخشان و برهانی بارز و تابان بشماراست، شمول و عموم احکام اسلامی نه تنها از طریق تتبع و بررسی، ودقت و مطالعه، آشکار می‌گردد، بلکه از طریق آیات و اخبار نیز این مطلب کراراً تأیید و تأکید شده و به اثبات رسیده است. چنانکه ابوبصیر از حضرت صادق (ع) نقل می‌کند که در طی حدیثی، مبتنی بر جامعیت شریعت اسلامی و احاطه و علم‌ائمه (ع)، فرمود: در شریعت اسلام، جمیع احکام اعم از حلال و حرام، و همه احتیاجات دینی مردم، حتی «ارش خدش» (دیه و جریمه خراش)، موجود است^۲.

و علی امیرالمؤمنین (ع) در یکی از خطبه‌های خود در ستایش رسول (ص) و قرآن کریم می‌فرماید: خداوند پیغمبرش را فرستاد هنگامی که مدتی بود پیغمبری نیامده و فِرَق مختلف مردم در خواب طولانی (غفلت و گمراهی) فرورفته بودند، و پایه استوار (احکام و دستوره‌های الهی) ویران گشته بود... پس بسوی مردم آمد با کتابی که گواه نبوت وی و روشن‌کننده تاریکیهای نادانی و گمراهی) برد... این کتاب قرآن است... و من شمارا از آن خبر می‌دهم، آگاه باشید در قرآن است عام به آینده و اخبار از گذشته، و دواوی درد شما (دستورهایی، جهت) تنظیم و سامان بخشیدن به امور دنیا و آخرت شما^۳.

اکنون با توجه به مطالب بالا می‌گوئیم: شریعتی که در حل و فصل جمیع مسائل و

۱- محمد باقر صدر: اقتصادنا، دارالفکر، بیروت ۱۳۸۷ هـ، ج ۱ ص ۶-۷.

۲- ثقة الاسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی: اصول کافی، با ترجمه و شرح بقلم

آقای دکتر سید جواد مصطفوی، تهران ۱۳۵۱ هـ، ص ۱۵۵.

۳- نهج البلاغه، ترجمه و شرح بقلم آقای سید علی نقی فیض الاسلام، بنگاه تراورسازی آذربادگان،

تهران، ج ۲ ص ۴۹۰، باندک تصرف در بعض تعبیرات.

مشکلات فردی واجتماعی کوشا بوده و در هر واقعه و قضیه‌ای تدابیر لازم اتخاذ نموده و احکامی بر اساس عقل و منطق و بر پایه عدل و انصاف^۱ رضع نموده و حتی «ارش خدش» راهم از نظر دور نداشته است، چگزنه ممکن است مشکلات اقتصادی را نادیده بگیرد و روشی جهت تنظیم حیات اقتصادی تعیین نکند؟ آیا می‌توان تصور کرد که شریعت اسلامی، جریمه‌ای را که بر اثر وارد ساختن خراش به تن کسی باید پرداخت، بیان نماید و درباره امور مالی و مسائل اقتصادی سکوت کند؟

دلیل دیگر این سخن، پیروزی روزافزون و پیشرفت چشمگیر مسلمین در سدر اسلام است. بدین معنی که آنان با اجرای صحیح برنامه‌ها و پیاده کردن طرح‌های عظیم اسلامی و رعایت کلیه مقررات دینی بفتوحات فراوان و ترقیات شگرف و فرهنگ و تمدنی ستایش‌انگیز نائل آمدند و جهانیان را باعجاب و تحسین واداشتند. آیا می‌توان گفت جامعه‌ای با این عظمت و موفقیت و افتخار فاقد برنامه مالی و نظام اقتصادی بود؟^۲

نقش ایوان در اقتصاد اسلامی

یکی از ویژگیهای برجسته اقتصاد اسلامی، اخلاقی بودن آن است. نظام مالی اسلام در همه جا بر پایه فضائل اخلاقی و اعتقادات مذهبی استوار است. اسلام در نقشه‌ها و تدابیر اقتصادی خود تنها هدفش حل مشکلات و رفع بحرانهای مالی و بهبود وضع زندگی مادی نیست بلکه بمنزات آن، تقویت ایمان و تهذیب نفس و تربیت روح و فکر را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. و بدینجهت در تعلیمات خود، نیت را زیربنای اعمال معرفی کرده و می‌فرماید «انما الأعمال بالنیّات»^۳ و نیز واجبات مالی و صدقات را در زمره عبادات و از جمله آنها قرار داده و «قصد قربت» را در تحقق آنها معتبر دانسته و برای فعل و ترک آنها ثواب و عذاب اخروی منظور می‌دارد.

فی‌المثل در قرآن کریم «زکوة» در ردیف «صاوة» و برابر با آن آمده است؛ آیات

۱- محمد باقر صدر: المدرسة الاسلامیه، ماذا تعرف عن الاقتصاد الاسلامی، مطبعة نعمان، نجف اشرف.

۱۳۸۴ هـ ق، ص ۴۵-۵۲.

۲- ابو عبد الله، محمد بن اسماعیل البخاری: صحیح بخاری، چاپ هند ۱۲۷۲ هـ ق.

ذیل شاهد این سخن می باشد .

الف : واقیموا الصلوة و آتوا الزکوة و اطیعوا الرسول^۱

ب : الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة وهم بالآخرة هم یؤمنون .^۲

ج : ... و اوصانی بالصلوة و الزکوة ما دمت حیاً .^۳

بالجمله چنانکه خاطر نشان ساختیم در مکتب اقتصادی اسلام ، نیل به رفاه مادی و امکانات مالی بیشتر و بالا بردن سطح زندگی ، هدف نهایی و کمال مطلوب نیست . این مکتب هدف برتر و بالاتری را دنبال می کند ، هدفی که فلاسفه و دانشمندان و همه اصلاح طلبان و خیر خواهان بشر از آن سخن گفته و آنرا تقدیس کرده اند ، این هدف عبارت است از یک زندگی انسانی ، مدینه فاضله ، تکامل روحی ، خصال حمیده و صفات پسندیده ، یا «مکارم اخلاق» ، چنانکه از رسول (ص) منقول است که فرمود :

«انّی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق»^۴ .

دلیل این مطلب آیات متعددی است که زندگی دنیا و دارایی را ، زیبایی و زینت دانسته و هدف از آنرا تربیت و امتحان ، و یا مهمتر و ثابت تر از آنرا ، اعمال صالح قرار داده است .^۵ از جمله آنها چند آیه زیر است :

۱- سوره نور آیه ۵۶ . یعنی (بگو ای محمد - ص) : بپای دارید نماز (فریضه) را و بدهید زکوة واجب را و فرمان برید رسول - ص - را به هر چه فرماید نقل از تفسیر منهج الصادقین : ملاحظه الله کاشانی ، چاپ سنگی ، ۱۲۹۷ هـ ق ، ج ۴ ، ص ۲۷۵ .

۲- سوره لقمان آیه ۴ . یعنی (نیکوکاران) آنانند که بپای می دارند نماز (فریضه) را و می دهند زکوة (واجب) را و سرای دیگر را باور و یقین دارند . مرجع پیشین ، ج ۴ ، ص ۴۹۹ .

۳- سوره مریم آیه ۲۲ (عیسی سخن آمد و گفت : ... : خداوند مرا در هر کجا باشم میزگردانیده و نازنده ام به نماز و زکوة سفارش کرده است . تفسیر مجمع البیان ، شیخ ابوعلی ، فضل بن حسن طبرسی ، ترجمه فارسی بقلم دکتر احمد بهشتی ، انتشارات فراهانی ، ۱۳۵۲ هـ ، ج ۱۵ ، ص ۱۶۳ .

۴- شیخ ابوعلی فضل بن حسن طبرسی : مجمع البیان فی تفسیر القرآن ، مطبعة العرفان ، صیدا (سوریه) ۱۳۵۶ هـ ، ج ۵ ، ص ۲۳۳ . ابوعبدالله محمد بن احمد الانصاری القرطبی ، الجامع لاحکام القرآن ، المكتبة العربیه ، قاهر ۱۲۸۷ هـ ، ج ۱۸ ، ص ۲۲۷ .

۵- علی حجتی کرمانی : اقتصاد در کتب اسلام ، شرکت سهامی انتشار ، تهران ۱۳۵۰ هـ ، ص ۹۵ .

وما اوتیتم من شیء فمتاع الحیاة الدنیا وزینتها وما عند الله خیرٌ وابقی...
 المال والبنون زینة الحیوة الدنیا والباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً و
 خیراً ملاً^۲.

انما اموالکم واولادکم فتنة و الله عنده اجر عظیم^۳.

دموکراسی اقتصادی در اسلام^۴

کمونئیستیهای افراطی بر آنند که تحقق دموکراسی با وجود تفاوت و اختلاف در ثروت و بطور کلی با اختلاف در شئون مالی ممکن نیست، لیکن حقیقت امر این است که تفاوتها و امتیازات بین مردم منحصر به جنبه های مالی و اقتصادی نیست، برخی از فرقها و امتیازات، طبیعی بوده و لازمه افراد بشر است و هیچ قانون یا نظام حکومتی قادر بر جداسازی و سلب آن نیست. فی المثل مردم در هیچ زمانی از نظر استعداد های فطری، زیرکی، کودنی، نیرومندی، ضعف، زیبایی، زشتی، بلندی همت، پستی، قدرت اراده و سستی، جوانمردی، شجاعت، بخشندگی، خوشخویی، بردباری، صفای باطن، و صفات مخاف اینها، یکسان و برابر نبوده و نخواهند بود، و بعبارت دیگر افراد بشر

۱- سوره قصص آیه ۶۰، یعنی: آنچه بشما داده شده است، از اسباب دنیوی و کالای گیتی، بر سران بر خورداری از زندگی این جهان و زینت این دنیاست که در مدت حیات بر اعتبار بدان مباحث می کنید و آنچه نزدیک خداست از ثواب آنچه فی نعمتهای جاودنی بهتر و پاینده تر است. منهج الصادقین، ملافتح الله کاشانی، با مقدمه و پاوردنی بقلم حاج میرزا ابوالحسن شعرانی، کتابفروشی اسلامیة، ج ۷ ص ۱۱۸.

۲- سوره کهف آیه ۴۵، یعنی: مال و فرزندان، که این جهان هستند و باقیات صالحات و زماندهای شایسته، نزد پروردگارت از نظر پاداش و نیز از نظر امید بهتر است. تفسیر مجمع البیان، شیخ ابوعلی طبرسی، ترجمه فارسی بقلم دکتر احمد بهشتی، انتشارات فراغانی، ج ۱۵ ص ۷۱.

۳- سوره تغابن آیه ۱۵، یعنی: اموالتان و فرزندانان فقط آزمایشی است و نزد خدا پاداشی بزرگ است. قرآن مجید با اضمام ترجمه و تفسیر مختصر، بقلم جناب آقای حاج شیخ رضاسراج، شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۴۹ هـ، ص ۵۲۰.

۴- مطالب این بخش تا آخر مقاله از کتاب موسوعة الاسلامیه، تألیف عباس محمد العقاد، چاپ دارالکتب العربیة، بیروت، ۱۳۹۰، ج ۴ ص ۷۴۵ الی ۷۵۱، اقتباس گردید.

در همه قرون و اعصار از نظر غرائز و تمایلات و صفات درونی و برونی، بلکه از هر نظر مختلف و متفاوت بایکدیگر بوده و هستند و خواهند بود. این فرقه‌ها و امتیازات مسلم و اجتناب‌ناپذیر که تکوینی و ذاتی و طبیعی تلقی شده مانع از تحقق دموکراسی کامل در جوامع بشری نیست. در این صورت چگونه می‌توان امتیازات و تفاوت‌های عادلانه در ثروت و امور مالی را، که ثبات و دوامی ندارد، بعنوان سدی بزرگ در راه نیل به دموکراسی، معرفی کرد. بالاخره تجربه‌های دیروز و امروز نشان می‌دهد که این قبیل فرقه‌ها و تفاوت‌ها، نیکو و مقبول و مطلوب می‌باشند، آنها زشت و ناپسند نیستند تا بمنظور برطرف ساختن آنها بکوشیم و خود را رها سازیم، و رها شدن از آنها مقرون به صرفه و صلاح نیست اگر ممکن باشد، زیرا اختلاف زیاد و فرق فراوان بین اصناف و افراد یک نوع دلیل برتری و پیشرفت و کمال آن نوع است چنانکه برابری و همانندی زیاد بین افراد یک نوع، دلیل بر پستی و عقب ماندگی و عدم رشدوی می‌باشد، این معنی از مطالعه و مقایسه و بررسی انواع جانداران روشن و واضح می‌گردد.

اکنون می‌گوییم: و قتی انسانها بمقتضای طبیعت و بگواهی خرد مختلفند، و بین آنان «تفاوت از زمین تا آسمان است» حکم به تساوی و برابری آنان و نادیده گرفتن امتیازات، بی‌عدالتی و ستم است. آری پیش از آنرا با قبح ماندگان مساوی دانستن و عامل را چون بی‌عمل انگاشتن، و شخص هنرمند را از مزایای هنرش محروم ساختن و شخص تن‌آسان را از عواقب تنبلی ایمن داشتن، مسخ طبیعت و انحراف از حق و حقیقت است این شیوه درباره افراد لایق و با کفایت شرط انصاف نیست و در مورد افرادی کفایت خالی از فایده است، نتیجه این اجحاف، تضعیف روحیه افراد لایق و برجسته و بازداشتن آنان از عمل است. رفتار مذکور بطور مسلم بادموکراسی سازگار نیست، زیرا دموکراسی با طبیعت تناقض و تضادی ندارد. و بعبارت دیگر دموکراسی موجب آن نمی‌شود که ما طبیعت را مسخ کرده و امتیازات و فرقه‌هایی را که زندگی بدون آنها میسر نیست لغو نمائیم. آنچه دموکراسی ایجاد می‌کند این است که مردم در مقابل عدالت قانون مساوی و برابر باشند و نیز امتیازات و تفاوت‌ها، سبب استثمار و بهره‌کشی از ناتوانان و بی‌نویان، بوسیله توانگران نگردد، دموکراسی بدین معنی است که فئودالها و مالکین بزرگ، حقوق محرومین و زحمتکشان را غصب نمایند. خلاصه جامعه

دموکراتیک Democratic بمعنی صحیح‌گامه ، جامعه‌ایست که در آن اثری از استثمار فقراء سلطه و غلبه اغنیاء بر آنان نباشد . این چنین نظام اقتصادی شایسته و درخور دموکراسی است و بر ما لازم است که در تحکیم و تثبیت آن بکوشیم ، اسلام نیز دموکراسی اقتصادی خرد را بر همین اساس بنیان نهاده است . اسلام خط‌بطلان بر استثمار می‌کشد و کار و کوشش را محترم می‌شمارد ، دموکراسی اقتصادی اسلام بر این دو قاعده استوار گردیده است .

اسلام فرمان به توزیع مال می‌دهد «تا آن اموال که باید به محتاجان برسد ، متداول یعنی چیزی که توانگران میان خود دست‌بدهست بگردانند نباشد»^۱ .

اسلام را کدگذاری سرمایه و گنج کردن مال و تمرکز ثروت را بشدت تقبیح و نکوهش می‌کند چنانکه فرمود: «والذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بئذاب الیم»^۲ و نیز با «ربا» و «احتکار» مخالفت نموده و آنها را اکیداً ممنوع و حرام معرفی می‌کند . این دستورات و بطور کلی مبارزه با تجمع مال و تمرکز ثروت در دست یک اقلیت ، بدان جهت است که «تمرکز ثروت سبب می‌شود تا دیگران برای رفع نیاز مندیهای خود از مواد مصرفی و خدمات عمومی، بسوی دلان پول و رباخواران روی آورند و آنان نیز برای تحصیل هر چه بیشتر سود، به بالا بردن نرخ بهره (فایده) اقدام کنند . این مسأله خود ، به وابستگی اکثریت افراد جامعه به یک اقلیت محدود ، که هدفی جز استثمار توده زحمتکش ندارد کمک می‌دهد»^۳ .

۱- کی لا یكون دولةً بین الاغنیاء منکم .. سورة حشر آیه ۷، قرآن مجید ، بانضمام ترجمه و تفسیر مختصر ، بقلم آقای حاج شیخ رضا سراج ، چاپ مذکور ص ۵۱۰، تفسیر منهج الصادقین، چاپ مذکور، ۹- ص ۲۲۸ .

۲- سورة توبه آیه ۳۴ ، یعنی : آنانکه زر و سیم را گنج می‌نهند و انباشته می‌کنند و آنرا در راه خدا مصرف نمی‌کنند ، آنها را بعد از دردناک بشارت ده . تفسیر مجمع البیان، طبرسی، ترجمه فارسی، بقلم آقای سید هاشم رسولی محلاتی ، انتشارات قراهانی، ج ۱۱ ص ۷۹، قرآن مجید بانضمام ترجمه و تفسیر مختصر، بقلم آقای حاج شیخ رضا سراج ، چاپ مذکور، ص ۱۹۰ .

۳- دکتر عبدالصاحب یادگاری : خطوط اساسی اقتصاد اسلامی ، متن عربی این کتاب اثر محمد باقر

بالجمعه اسلام همراهِ با تحریم استثمار و محدود کردن راههایی که به آن منتهی می‌شود، به تقدیس از کار و کارگر، می‌پردازد، بگونه‌ای که در هیچ نظام اقتصادی نظیر آن دیده نمی‌شود. قرآن در این مورد می‌فرماید: *وقل اعلموا فیسیری الله عملکم ورسوله والمؤمنون...*^۱

و خطاب به نمازگزاران (جمعه) فرمان می‌دهد که پس از ادای فریضه، در اولین فرصت، به طاب‌روزی حلال مبادرت ورزید و در تلاش معاش بکوشند بدین تعبیر:

فاذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض وابتغوا من فضل الله...^۲

در احادیث

در احادیث نبوی و روایات نیز به اهمیت و ارزش کار و مقام والای کارگر، مکرر اشاره، بلکه تصریح و تأکید شده است، دکتر علی عبدالواحد وافی در کتاب خویش «المساوات فی الاسلام»^۳ می‌نویسد: «مروی است که چون نبی اکرم (ص) از غزوه «تبوک» مراجعت نمود، با «معاذ بن جبل» که به استقبال وی آمده بود، مصادفانه نمود. دست معاذ خینی خشن (بینه بسته) و آماج کرده بنظر می‌رسید، حضرت سبب آن را پرسید. مرضه داشت: من در این مدت بیل می‌زدم، زراعت می‌کردم و از این رهگذر نفقه عیال خود را تأمین می‌کردم. حضرت دست وی را بلند کرد و فرمود: این دستی است که هیچگاه آتش جهنم آن را نمی‌سوزاند، این دستی است که خدا و رسولش آن را دوست می‌دارند. و نیز ابن عباس نقل می‌کند که جماعتی نزد رسول اکرم (ص) از شخصی یاد

رتال جامع علوم انسانی

سدر و محمد ابوالسعود می‌باشد، چاپخانه اتحاد، تهران، ۱۳۵۰، ص ۴۵.

۱- سوره توبه آیه ۱۰۶، یعنی: (ای پیامبر! بگره عمل کنید که خدا عمل شما را خواهد دید. ر بعبیر خدا و مؤمنان نیز. قرآن مجید، بانضمام ترجمه و تفسیر مختصر، بقلم آقای حاج شیخ رضا سراج، چاپ مذکور ص ۲۰۰.

۲- سوره جمعه آیه ۱۰، یعنی: پس نگاهد که نماز پایان یافت، در زمین پراکنده شوید و از فضل و کرم جدا روزی حلال، طلبید. مدرک پیشین، ص ۵۱۷ و نیز، ترجمه فارسی قرآن مجید، بقلم حاج شیخ مهدی الهی قمشه‌ای، انتشارات محمد حسن طوسی، ص ۱۲۲.

۳- دارالمنار، مصر، ص ۲۲.

نمودند و او را بعنوان «صائم النهار» و «قائم الليل» و بالاخره ، عابد تراز همه معرفی کردند . حضرت پرسید : چه کسی مخارج او را تأمین می‌کند؟ عرض کردند : ما احتیاجات او را تأمین می‌کنیم تا فراغتی جهت عبادت پیدا کند . حضرت فرمود : شما همه بهتر و عابدتر از وی هستید^۱ .

نکته جالب توجه و قابل ملاحظه این است که در روایات و اخبار ، سعی و کوشش و تلاش برای تأمین معاش ، و کسب حلال جهت نفقه عیال ، از جمله طاعات و عبادات شمرده شده است .

وبالاخره هیچ دموکراسی اقتصادی را نمی‌توان یافت که بر اصول و پایه‌هایی این چنین مستحکم و عادلانه و انسانی استوار شده باشد «تحریم استثمار، تقدیس عمل» . پس آرمان دموکراسی اسلامی ساختن جامعه‌ایست که در آن از استعمارگران ستمکار، و بیکاران سهل‌انگار بی‌بندبار ، اثری نباشد ، جامعه‌ای که در آن توزیع ثروت بر اساس عدالت بعمل آید ، و همه مزایا در انحصار اغنیان باشد، هیچ دموکراسی تاکنون نتوانسته است چنین دورنمای باشکوهی را برای بشریت ترسیم کند و چنین هدفی را وجهه همت خویش قرار دهد .

دموکراسی اقتصادی اسلام به اصول یادشده «تحریم استثمار، تقدیس عمل ، تقبیح بیکاری، مبارزه با تمرکز ثروت» اکتفا نمی‌کند ، بلکه برای فقراء ، مساکین ، بی‌نویان، ناتوانان، از کار افتادگان ، و بالاخره کسانی که قدرت هیچ‌کاری را ندارند ، نه افراد سست‌عنصر و ونگردان تن‌آسان ، حقی معلوم و بودجه‌ای منظور می‌دارد بنام «زکوة» .

بالجمله مسلم است که مبارزه با زیان و حرمان ، هدف و مقصود هر نظام اجتماعی نیکو و شایسته است ، خواه آنرا دموکراسی بنامیم و خواه نام دیگری بر آن نهیم ، لیکن بمنظور برطرف ساختن آثار حرمان و زیان و ریشه‌کن کردن آن ، تنها «تحریم استثمار» و پایان دادن بر حکومت و سلطه اغنیاء ، کافی نیست ، زیرا غنی و محرومیت انواع دیگری هم دارد و همواره ناشی از استثمار و بهره‌کشی نیست ، یکی از این انواع که بسیار خطرناک و زیان‌بخش می‌باشد ، مبادرت به محروم ساختن فعالان از ثمره

۱- علی حجتی کرمانی : اقتصاد در مکتب اسلام، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۰ هـ، ص ۱۰۲-۱۰۳ .

فعالیت و انکار امتیازات و مزایای افراد و نادیده گرفتن اصل مسلم «اختلاف افراد از نظر هوش و ادراک و فهم و استعداد» می باشد. شاید ظالم ترین و فرومایه ترین نظام اجتماعی، نظامی باشد که خود را مخالف و دشمن سرسخت تبعیضات طبقاتی و محرومیت های اجتماعی می پندارد، لیکن بین افراد باعلاقه و بی علاقه و با استعداد و بی استعداد و نخبگان و بی هنران و بالاخره اشخاص پرکار و تن آسان فرقی قائل نشده و همه را یکسان و برابر می داند.

اما دموکراسی اسلامی، حرمان و زیان را در هر شکلی و بهر صورتی که باشد، خواه ناشی از تبعیض و بی عدالتی باشد و خواه ناشی از فاصله طبقاتی و تمرکز ثروت در دست اقلیت و یا ناشی از استثمار و یا ناشی از افکار و نادیده گرفتن امتیازات و تفاوت های طبیعی باشد، همه را محکوم می کند.

و بدین سبب فرقه ها و امتیازات و درجات را برسمیت شناخته و حقیقت آنها را تأیید و تصدیق می نماید، حقیقتی که گریزی از آن نیست، اجتناب ناپذیر است. حقیقتی که در همه شئون مادی و معنوی بنحوی بارزی تجلی کرده و بوضوح دیده میشود. شاهد سخن آنکه هیچ طائفه و طبقه ای از مردم را نمی توان یافت که افراد و اشخاص آن مساوی و برابر باشند، هر چند «انبیاء مرسلین»، یا «مجاهدین»، یا «علماء عاملین» باشند.

در این زمینه قرآن مجید به پیغمبر (ص) تأکید می کند:

الف: و لكل درجات^۱ مما عملوا و ما ربك بغافل عما يعملون^۱.

ب: تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض منهم من كلم الله و رفع بعضهم درجات^۲....

۱- سوره انعام آیه ۱۳۲، یعنی: و برای هر يك از دو طائفه جن و انس (یا همه را) از آن عملها که کرده اند، مرتبه هست، و پروردگارت از کردار ایشان غافل نیست. قرآن مجید بانضمام ترجمه و تفسیر مختصر، بقلم حاج شیخ رضا سراج، چاپ مذکور ص ۱۴۵، ترجمه تفسیر مجمع البیان، بقلم دکتر احمد بهشتی، انتشارات فراهانی، ج ۸ ص ۲۷۶.

۲- سوره بقره آیه ۲۵۴، یعنی: این جماعت که فرستاده شدگانند، برخی از ایشان را بر برخی دیگر برتری دادیم، بعضی از ایشان کسی است که خدا با وی سخن گفت، و مرتبه های بعضی از ایشان را بالا برد. ترجمه و تفسیر قرآن بقلم آقای سراج، ص ۴۳.

- ج : ... فضل الله المجاهدين باموالهم وانفسهم على القاعدين درجة^۱ ...
- د : ... يرفع الله الذين آمنوا منكم والذين اوتوا العلم درجات^۲ ...
- این آیات با صراحت و روشنی ، تفاوتها و امتیازات بین طبقات مختلف «انبیاء ، علما ، مجاهدين ، عاملین» را تقرير و بیان می کنند . اکنون می گوئیم که قبول این واقعیت در همه جهات و جوانب و انکار آن در زمینه کسب و کار ، درآمد ، جنبه های مالی ، غیر منطقی و بدون دلیل و خلاصه خلاف راه صواب است ، زیرا تفاوت و نابرابری افراد در امور مالی و اختلاف در برخورداری از امکانات مادی و وسایل رفاه ، امری طبیعی و از لوازم تمدن و زندگی اجتماعی است ، و بدینجهت دموکراسی اسلامی بر آن صحه گذاشته و آنرا تأیید می کند . آیات ذیل بر این مطالب دلالت دارند .
- الف : والله فضل بعضکم على بعض فی الرزق^۳ .
- ب : ... نحن قسمنا بينهم معيشتهم فی الحیوة الدنیا و رفعنا بعضهم فوق بعض ...^۴ :
- ج : ولا تتمنوا ما فضل الله به بعضکم على بعض^۵ ...
- خلاصه با وجود این همه مدارك و شواهد و قرائن ، بسی مایه شگفتی است که گروهی علیه واقعیت «تفاوتها ، درجات ، امتیازات» قیام کرده و به محو آثار و جاویدهای آن

- ۱- سوره نساء، آیه ۹۸، یعنی : خداوند کسانی را که بمال و جان جهاد می کنند از حیث منزلت و مقام ، برتخلف کنندگان برتری داده است . ترجمه تفسیر مجمع البیان، زیر نظر حاج شیخ حسین نوری ، و دکتر نصیح ، انتشارات فراهانی، ج ۵ ص ۳۱۰ .
- ۲- سوره مجادله آیه ۱۲ ، یعنی : خداوند درجات آنان را که ایمان آورده اند و آنان را که دانش یافته اند بلامی برد . قرآن مجید، بانضمام ترجمه و تفسیر حاج شیخ رضا سراج، ص ۵۰۷ .
- ۳- سوره نحل آیه ۷۲، ترجمه : و خدا روزی بعضی از شما را بر بعضی دیگر افزونی بخشید . قرآن مجید، بانضمام ترجمه فارسی آن، بقلم آقای حاج شیخ مهدی الهی قمشه ای، چاپ محمد حسن علمی، ص ۲۰۸ .
- بائندك تغییر درباره ای از کلمات) .
- ۴- سوره زخرف آیه ۲۱ ، یعنی : ما خود معاش و روزی ایشان را در زندگانی این جهان بین آنان تقسیم کرده ایم و برخی را بر برخی برتری داده ایم . مدرک پیشین، ص ۲۸۱ ، بائندك تصرف در عبارات .
- ۵- سوره نساء آیه ۳۶، یعنی : آرزو و توقع بیجا در فضیلت و مزیت که خدا به آن بعضی را برتری داده، مکنید . مدرک فوق الذکر، ص ۶۵ .

قدرا فراشته‌اند. این گروه خودکامه و مستبد، یعنی پیروان مکتب مارکسیسم و رهبران و گردانندگان نظام کمونیسم، استعدادهای ذاتی، لیاقت‌های طبیعی، هدفها و احساسات و عواطف و انگیزه‌های انسانی جامعه را مقهور و مغلوب خویش کرده، و فرصت هر نوع اظهار وجود، ابراز لیاقت و شایستگی، تجلی شخصیت، و امکان هر نوع فعالیت آزاد، بکارگرفتن ذوق خداداد و ابتکار عمل، و بطورکلی هرگونه آزادی را از توده‌ها سلب نموده‌اند.

در جامعه کمونیست، انسانها اراده و اختیاری ندارند، آنان «در قبال هیأت حاکمه و سازمان مرکزی حزب بمثابة چرم و آهن در دست صنعتگران و کفاشان هستند... و یا همانند قلم در دست نویسنده و نقاش... در دست سازمان مرکزی حزب می‌گردند و می‌چرخند»^۱. و عبارت دیگر مثل «شیران‌عام، حمله» و گریز و حرکت و جنبش و کوشش و کوشش، و صعود و نزولشان، همه تابع متفیری از دستورات حزب می‌باشد. به اصل مطلب باز می‌گردیم، نباید تصور کرد که مساوات و برابری همیشه و همه‌جا عدالت است، مفهوم مساوات و مفهوم عدالت متفاوتند. مساوات در برخی از موارد، بدون تردید عدالت است، اما در برخی دیگر ظلم است، فی‌المثل، برابر داشتن مستحق و غیرمستحق، اجحاف و برخلاف انصاف است، از اینرو اسلام، عدالت را در سرلوحه برنامه خود قرار داده و در همه شئون و احوال آنرا لازم و واجب می‌شمارد، اما مساوات را در همه جا نپذیرفته و در بعضی امور آنرا تخطئه و محکوم می‌کند. درباره «عدالت»، سفارش و تأکید قرآن، قابل توجه و درخور تأمل می‌باشد، اهتمام بحدی است که نسبت به دشمنان نیز بی‌عدالتی را تجویز نمی‌کند، چنانکه فرمود:

.... ولا یجرمنکم شنئان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی...^۲ و در نکوهش مساوات نابجا و غیر منطقی نیز تأکید فراوان است، از جمله:

۱- ابوالاعلی مودودی: اسلام و مشکلات اقتصادی، ترجمه و نگارش آقای سیدهادی خسروشاهی، مؤسسه مطبوعاتی قراهنی، تهران، ص ۹۴.

۲- سوره مائده، آیه ۱۱، یعنی: والبته نباید شمارا عداوت گروهی بر آن بدارد که از طریق عدل بیرون روید، عدالت کنید که آن بتقوی نزدیکتر از هر عمل است. قرآن مجید، ترجمه فارسی بقلم آقای حاج شیخ مهدی الهی قمشه‌ای، چاپ انتشارات محمدحسن علمی، ص ۸۴.

الف: و ضرب الله مثلاً رجلین احدهما ابکم لایقدر علی شیء و هو کل علی مولاہ اینما یوجهه لایات بخیر هل یتوی هر و من یأمر بالعدل و هو علی صراط مستقیم^۱.

ب: قل هل یتوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون ...^۲.

خلاصه عدالت بمعنی واقعی و بصورت گسترده و وسیع، زمانی تحقق می پذیرد که افراد اجتماع در برخی از امور و شئون باهم مساوی و برابر و در بعضی دیگر نباشند، مثلاً همه افراد، باید در برابر قانون مساوی باشند و در این قسمت کوچکترین تبعیض و امتیاز طبقاتی روانیست. سیاه و سفید، خرد و کلان، پیر و جوان، توانا و ناتوان، غنی و فقیر، سید قرشی و غلام حبشی، همه باید زیر پوشش قانون بوده و نیز از آن پیروی و تبعیت و احساس مسؤلیت نمایند و در صورت تخلف مجازات شوند. اسلام می کوشد تا چنین مساواتی را که بر اساس حق و انصاف بنیان نهاده شده، در جوامع بشری، برقرار نماید. عالیترین مظهر تحقق این آرمان را باید در روش حکومت علی(ع) جستجو کرد. در اینجا بذکر یک نمونه اکتفا می شود.

آنحضرت در دوران زمامداری و حکومت، زرهش گم شده بود، پس از چندی آنرا نزد یک مسیحی یافت، او را پیش شریح قاضی برد و فرمود: این زره مال من است. شریح پس از استماع این دعوی، از مردم مسیحی خواست تا سخن بگویند. وی ادعای علی(ع) را انکار کرد، شریح طبق قانون «قضاء»، از حضرتش تقاضا کرد تا اقامه بیسینه کند یعنی شاهد بیاورد، حضرت علی(ع) تبسمی نموده و فرمود: ولی من شاهدی

۱- سوره نحل آیه ۷۸، یعنی: خدا مثل زده (بشنوید)، دومی که یکی از آنها گنگ است و قادر بر هیچ کاری نیست و بر مهر خود باری گران است و از هیچ راه خیری نرساند، و دیگری مردی است که بداد و درستی فرمان می دهد و خود براهی مستقیم است، آیا این دو نفر یکسان هستند؟ ترجمه و تفسیر مختصر قرآن مجید، حاج شیخ رضا سراج، چاپ مذکور ص ۲۶۵. و نیز ترجمه فارسی قرآن، بقلم آقای الهی قمشه ای، ص ۲۰۹.

۲- سوره زمر، آیه ۱۲، یعنی: (ای پیامبر) بگو آیا آنانکه می دانند و آنانکه نمی دانند یکسانند؟ ترجمه قرآن مجید، بقلم آقای الهی قمشه ای، ص ۴۳۰.

ندارم ، شریح بر اساس قاعده شرع ، بنفع مسیحی حکم نمود^۱ .

این صحنه نه تنها مسیحی را تحت تأثیر قرارداد و موجب گرایش و تشرف وی، بدین اسلام گردید ، بلکه همگان را به اعجاب و تحسین واداشت . شرح این داستان شنیدنی ، گفتمنی ، آموختنی ، عبرت‌گرفتنی است .

علی امیرالمؤمنین (ع) خلیفه مسلمین ، خداوند علم و شمشیر ، همانند يك فرد معمولی و عادی بدون تشریفات ، خیلی ساده و بی‌پیرایه ، در دادگاه حاضر می‌شود و علیه يك مسیحی دادخواست ، تسلیم می‌کند و باوی در بای می‌زمحاکمه می‌ایستد ، و چون قاضی بر اساس «قرائین قضاء» بنفع مسیحی ، حکم صادر می‌کند ، علی (ع) نه تنها نگران نمی‌شود ، بلکه ابراز رضایت و مسرت می‌نماید .

این يك نمونه ، بلکه مثل اعلاى عدالت اجتماعى ، مساوات ، برابری و دموکراسی واقعی است ، و هشدارى است برای انسانها که : تبعیض ، اعمال نفوذ ، هر نوع ملاحظه ، مسامحه ، اغماض ، ارفاق ، در اجرای قانون ، برخلاف انصاف ، می‌باشد و سبب هلاک و تباهی و فساد جوامع بشری می‌گردد ، چنانکه نبی اکرم (ص) فرمود : «انما هلك من كان قبلکم لانهم كانوا اذا اذنب الضعیف فیهم عاقبوه واذا اذنب الشریف ذیهم ترکوه» .

اقوام و ملل پیشین دچار سقوط و انقراض گشتند ، و جهت سقوط آنها این بود که در اجرای قانون تبعیض روا می‌داشتند ، هرگاه ضعیف و بیچاره‌ای در میان آن گروه مرتکب جرم می‌شد ، مجازات می‌کردند ولی اگر يك نفر بزرگ و متشخص مرتکب گناه می‌گردید ، وی را رها ساخته و از کیفرش صرف نظر می‌کردند^۲ .

۱- جورج سجعان جرداق : الامام علی صیرت العدالة الانسانیة، دارالفکر العربی، بیروت، ج ۱ ص ۹۲ .
عبدالکریم عبداللہی : کمونیسیم از دیدگاه نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام، انتشارات جعفری، مشهد ۱۳۵۱، ص ۱۹۵-۱۹۶ .

۲- عبدالواحد وافی : المساوات فی الاسلام، دارالمعارف، مصر، ص ۳۴ . عبدالکریم عبداللہی : کمونیسیم از دیدگاه نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام، چاپ مذکور، ص ۱۹۰ .

کتابنامه

- تاریخ فلسفه سیاسی : دکتر بهاء‌الدین بازارگاد ، سرمایه کتابفروشی زوار ، تهران ۱۳۳۶ هـ .
- دیباچه‌ای بر رهبری : دکتر ناصرالدین صاحب‌الزمانی ، مؤسسه مطبوعاتی عطایی ، تهران ۱۳۴۵ هـ . L, Islam : L. Garde .
- نظام الاسلام - الاقتصادی مبادی، وقواعد عامّة- : محمدالمبارک ، عمید کلیة الشریعة بجامعه دمشق سابقاً ورئيس قسم الشریعة والدراسات الاسلامیة فی کلیة الشریعة بمكة المكرمة ، دارالفکر ، بیروت .
- مادانعرف عن الاقتصاد الاسلامی : محمدباقر صدر ، مطبعة نعمان ، نجف اشرف .
- اصول علم اقتصاد : آلفرد مارشال ، ترجمه : حسین مؤتمن ، چاپ دانشگاه تهران ۱۳۴۰ هـ .
- علم الاقتصاد : دکتر سعدماهر حمزه ، استاد ورئيس بخش اقتصاد دانشگاه اسیوط ، دارالمعارف ، مصر .
- اقتصادنا : محمدباقر صدر : دارالفکر ، بیروت ۱۳۸۷ هـ ۱۹۶۸ م .
- اقتصادما ، یا بررسیهایی دربارهٔ مکتب اقتصاد اسلامی ، ترجمه کتاب فوق‌الذکر ، بقلم آقای محمد کاظم موسوی ، انتشارات برهان و مؤسسه انتشارات اسلامی ، تهران ۱۳۵۰ هـ .
- الوعی الاسلامی : حسن المهدي الشیرازی ، منشورات اعلمی ، کربلا ۱۳۷۹ هـ .
- اصول کافی : ثقة الاسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی ، با ترجمه و شرح فارسی بقلم آقای دکتر سیدجواد مصطفوی ، تهران ۱۳۵۱ هـ .
- نهج البلاغة : ترجمه و شرح بقلم آقای سیدعلی تقی فیض الاسلام ، نگاه گراورسازی ، آذرآبادگان ، تهران .
- صحیح بخاری : ابو عبدالله محمد بن اسماعیل البخاری ، چاپ هند ۱۲۷۲ هـ . ق .
- تفسیر منهج الصادقین : ملا فتح‌الله کاشانی ، با مقدمه و یاورقی بقلم آقای حاج میرزا ابوالحسن شعرانی ، کتابفروشی اسلامیة ، تهران ۱۳۴۶ هـ ، و نیز چاپ سنگی ۱۲۹۷ هـ . ق .
- تفسیر مجمع البیان شیخ ابوعلی ، فضل بن حسن طبرسی ، ترجمه فارسی بقلم آقایان : دکتر

احمد بهشتی، سیدهاشم رسولی محلاتی، حاج شیخ حسین نوری، دکتر محمد مفتوح، مؤسسه انتشارات فراهانی، تهران ۱۳۵۱ هـ.

قرآن مجید باضمام ترجمه و تفسیر مختصر، بقلم آقای حاج شیخ رضا سراج، شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۴۹ هـ.

ترجمه فارسی قرآن مجید، بقلم آقای مهدی الهی قمشدای، مؤسسه چاپ و انتشارات محمد حسن علمی.

موسوعة : عباس دجوه و العقاد، الاسلامیة، دارالكتاب العربی، بیروت، لبنان، ۱۳۹۰ هـ.ق.
خطوط اساسی اقتصاد اسلامی : محمد باقر صدر و محمد ابوالسعود، ترجمه فارسی، بقلم دکتر عبدالصاحب یادگاری، چاپخانه اتحاد، تهران ۱۳۵۰ هـ.

المساوات فی الإسلام : دکتر علی عبدالواحد وافی، دارالمعارف، مصر.

اسلام و مشکلات اقتصادی : ابوالاعلیٰ مودودی، رهبر «جماعة الاسلام» در پاکستان، ترجمه و نگارش سیدهادی خسروشاهی، مؤسسه مطبوعاتی فراهانی، تهران.

الامام علی صوت العدالة الانسانیة : جورج سجعان جرداق، دارالفکر العربی، بیروت.

که ونیسیم از دیدگاه نظام اقتصادی و اجتماعی اسلام : ترجمه و نگارش عبدالکریم عبداللہی، انتشارات جعفری، مشهد، ۱۳۵۱ هـ.

الجامع لأحكام القرآن (تفسیر قرطبی) : ابو عبد اللہ محمد بن احمد الانصاری القرطبی، المكتبة العربیة، قاهره ۱۳۸۷ هـ.